

انقلاب مشروطه و دسیسه های انگلیس

فلسفه جنبش پادشاهی مشروطه سال ۱۲۸۹ در شرایطی صورت گرفت که هم آخوندها از طرف انگلیسی ها و شاه قاجار با حمایت قزاقان روسی در جامعه قدرتمند بودند و روابط و ضوابطی در عملکرد آنها نسبت به مردم وجود نداشت. انگلیسی ها با جنبش پادشاهی مشروطه و قانون اساسی آن، قدرت ملاها و شاه را در حکومت بر مردم تقسیم کردند و دو مجلس شورای ملی و سنا را در دست گرفتند و از این تاریخ همواره اکثراً **فراماسون ها** در این مجالس منصوب می شدند که در آنجا دفاع از منافع و حقوق ملت و میهن اهورائی خبری نبود. البته جنبش پادشاهی مشروطه توسط دو دسته از عوامل انگلیسی ها فراهم آورده شد، یک گروه نواندیشان اروپا دیده که در لژهای فراماسونری اروپایی عضویت داشتند، که به دنبال مشروطه پادشاهی اروپایی بودند که دانش آنها از فرهنگ و مذهب و جامعه آن روز مردم ایران کم بود و از قدرت مذهبیون بی اطلاع بودند و گروه دوم که بزرگتر هم بودند، ملایان و اهل عمامه بودند که پیشگامی را هم انگلیسی ها به ایشان دادند از جمله **بهبهانی، طباطبایی، خراسانی، حاجی تهرانی و حاج شیخ مازندرانی** که پادشاهی مشروطه را بدانسان که در اروپا بود نمی خواستند، البته ذکر این نکته لازم است که صرفنظر از آخوندستیزی روشنفکرانی مثل **میرزا آقاخان کرمانی**، هیچ مشروطه خواهی کمترین تصویری از ضدیت با شریعت در نظام پادشاهی مشروطه ارائه نداده است و اکثر آنها عقیده دارند مشروطیت کاملاً منطبق با اصول اسلامی است که این نیز افکار استعمارگران و عوامل آن است که با شریعت می توانند مردم را به هر سو که می خواهند بکشانند. برای همین بود که در اصل اول متمم قانون اساسی پادشاهی مشروطه، مذهب رسمی ایران، اسلام و طریقه حقه، اثنی عشریه شد و اصل دوم متمم قانون اساسی بر نظارت مجتهدان در اقدامات و تصمیم های مجلس و امر قانونگذاری تأکید نمود، در نتیجه جنبش پادشاهی مشروطه قانونی کردن و تثبیت قدرت مذهبیون در جامعه برای ایجاد استعمار مذهبی بود. در غیاب یک گروه میهن پرست و سیاستمدار، همراه با چند عنصر به اصطلاح اروپا دیده اغفال شده و سه چهار فقره اهل عمامه و فرصت طلب که هرگز با مفهوم ملیت و هویت ملی آشنا نبوده اند قانون اساسی پادشاهی مشروطه نوشته شد، که در آن **مذهب**، اساس روابط انسانها را تعیین می کرد.

داستان از این قرار بود که در سال های پایانی سلطنت **ناصرالدین شاه**، وجود او بصورت معضلی برای استعمارگران جلوه می کرد، در آن دوران ، انگلیس از پادشاهی که قریب پنجاه سال بر تخت سلطنت تکیه زده بود و مورد حمایت روسها بود ، نا امید شده بودند.

وزیرمختار فرانسه در تهران « **ماری رنه شاوینی دوبالوا** » که به سبب درازای اقامت در ایران عنوان **مقدم السفراء** یافته بود، در باب قتل ناصرالدین شاه نوشت: قاتل **میرزا رضای کرمانی** یک مرد انقلابی از طرفداران **سید جمال الدین اسدآبادی** و **ملکم خان** است. **سید جمال اسد آبادی** و **ملکم خان** از اعضاء شبکه فراماسونری انگلوفیل بودند که گویا به فرقه اسماعیلیه که توسط انگلیسی ها تقویت شده بود هم وابستگی داشتند.



میرزا رضای کرمانی با خواهر **میرزا باجی**، منشی مخصوص **امینه اقدس** همسر محبوب شاه ازدواج کرده بود و توسط او توانست به کاخ سلطنتی آمد و شد کند و از طریق نفوذ خواهر زن خود نزد **حاج محمد حسن کمپانی**، مشهور به **امین الضرب** مشغول به کار شد. وقتی **ژولیوس رویتر** و **فابیوس بوتال** یکی انگلیسی و یکی فرانسوی در مقام بدست آوردن امتیاز راه آهن در شمال ایران ناحیه بین محمود آباد و آمل بودند در یک سفر که به منظور بازرسی محل و بررسی امر صورت گرفت حاج امین الضرب، **سید جمال الدین اسد آبادی** و **میرزا رضای کرمانی** را همراه برد که بدین ترتیب بین آنان آشنائی و دوستی حاصل شد.

در منزل امین الضرب که بعداً لقب « **مهدی** » را برگزید با سید جمال الدین اسد آبادی آشنایی بیشتر حاصل کرد و بعدها یکی از طرفداران پر و پا قرص اخوان المسلمین شد. پس از اخراج اسد آبادی به دستور **ناصر الدین شاه** در ژانویه ۱۸۹۱، میرزا رضا کرمانی فعالیت های ضد سلطنتی خود را همچنان ادامه داد، به همین سبب بازداشت و شکنجه شد، ولی او مقاومت و تحمل کرد و حتی نام یکی از آشنایان خویش (**اعضای شبکه فراماسونری**) را لو نداد تا سرانجام بر اثر نفوذ دوستانش که در شبکه فراماسونری مقام و منزلتی داشتند از زندان خلاص شد. میرزا رضا کرمانی همچنان بر علیه ناصرالدین شاه دست به اقداماتی می زد تا سرانجام به شاه عبدالعظیم رفت و در روز جمعه اول ماه مه ۱۸۹۶ ناصرالدین شاه را به قتل رسانید.

میرزا ملکم خان



میرزا ملکم خان در ۱۲۴۹ ه.ق در جلفای اصفهان بدنیا آمد و در سال ۱۳۲۶ قمری پس از به توپ بسته شدن مجلس شورای ملی، در سوئیس از دنیا رفت. در دوره **ناصرالدین شاه**، به نسبت پیروان سایر مذاهب غیراسلامی، **ارمنی ها** در ادارات دولتی دوره قاجار بیشتر جا باز کرده بودند و خصوصاً بواسطه آشنائی با زبان های فرانسه و انگلیسی، در وزارت امور خارجه و یا سفارتخانه های بیگانه در تهران به کار اشتغال داشتند در میان آنان میرزا ملکم خان (**ارمنی**) که از **عوامل فراماسونری انگلیس** بود، نقش فعال در انقلاب انگلیسی مشروطه در ایران ایفا کرد. وی در سال های متمادی در مناصب دولتی و خصوصاً سفارت ایران در استانبول، سفارت کبرای ایران در انگلیس و بالاخره در ایتالیا کار کرد. او در اروپا روزنامه قانون را انتشار می داد. ملکم خان از اولین اثر مکتوب خود بنام **کتابچه غیبی** تا آخرین اثر رسمی اش بنام **ندای عدالت**، اسلام و احکام اسلامی را تنها راه چاره دردهای ایران برشمرد و سعی او تماماً در بالا بردن مقام اهل عمامه برای بدست گرفتن فرمان هدایت مملکت بود. او همه تئوری و پیشنهادات خود را بر پایه اسلام نهاد (استعمار مذهبی) و این روش را به دفعات متعدد به سیاستمداران انگلیس پیشنهاد کرد. از اینجا در می یابیم عملکرد **مجاهدین ارامنه** و نقش آنها را در انقلاب مشروطه که اکثر آنها از ارامنه ساکن ایران نبودند، بلکه از روسیه به ایران آمده بودند. همانطور که می دانیم انقلاب ۱۹۱۷ روسیه توسط **لنین** بعد از ده سال تربیت در انگلیس، فرانسه و سوئیس توسط فراماسون ها و سرویس اطلاعاتی انگلیس همراه با کمک های مالی آنها انجام شد و از آن زمان انگلیس بر کشورهای به اصطلاح کمونیستی تسلط یافت.



از مهمترین وجوه انقلاب راستین مشروطه، وجه ناسیونالیستی آن می باشد، بنابراین فعالیت ارامنه و تفنگ بدستان ارمنی در انقلاب مشروطه دلیلی به جز نقش محرک انگلیس نداشت. مبارزات مستقیم ارامنه ابتدا در جنگهای تبریز به رهبری **ستارخان** و **باقرخان** و سپس نقش اساسی آنها در شهر رشت به سرپرستی **پیروم خان**، منجر به فتح تهران و برقراری به اصطلاح مشروطه دوم گردید. در این حال مشاهده می شود ارمنی های فاتح در این زمان مسئول انتظامات تهران شدند، البته نقش ارامنه را در روزنامه نگاری و هدایت فکری مشروطه خواهان، نباید فراموش کرد. نویسندگانی همچون **حاج زین العابدین مراغه ای**، **عبدالحییم طالبوف**، **میرزا فتحعلی آخوند زاده**، **میرزا آقاخان کرمانی** و **سید جمال الدین اسدآبادی** که همگی از اعضای فراماسونری انگلیس بودند زمینه های به اصطلاح مشروطه خواهی را فراهم آوردند.

سر آرتور هاردینگ

سر آرتور هاردینگ از سال ۱۹۰۱ تا ۲۶ ژانویه ۱۹۰۶ در ایران مقام وزیرمختاری داشت و از نزدیک در تقسیم وجوه موقوفه هند در ایران و بین النهرین نظارت داشت.

او در کتابی که نوشته است در مورد پرداخت مقرری چنین می نویسد: «این بودجه در دست من یک اهرم قوی بود که باعث شد بین من و روحانیون ایران روابط حسنه ایجاد شود (وجه **اوقاف اود** توسط پادشاه «**اود**» پرداخت می شد که صرف تحصیل محصلین شیعه شود) و هر عملی که می خواستیم در ایران و بین النهرین به راحتی انجام می گرفت. این بودجه قادر به حرکت هر بار سنگینی بود که در مقابل ما قرار می گرفت.»

سر آرتور هاردینگ در شش سال مأموریت خود در ایران و توسعه مبارزات پنهانی روس و انگلیس بر سر تقسیم ایران به مناطق نفوذ، حوادث گوناگونی را بوجود آورد که از آن جمله می توان کوشش در راه استفاده اقتصادی و سیاسی از ایران، انعقاد قرارداد نفت جنوب، دامن زدن بلواها و ایجاد انقلابات در سراسر ایران و تشکیل انجمن های مخفی و ایجاد انقلاب مشروطه برای از بین بردن نفوذ روسیه در دربار **مظفرالدین شاه** و جانشین کردن طرفداران، عمال و خبردهنده ها و جاسوسان انگلیس در مجلس و سازمانهای درباری و دولتی ایران را نام برد. چرا که ایجاد دو فراقسیون در مجلس **اعتدالیون** و **دمکرات** (که هر دو گروه از عوامل انگلیس بودند) و نزاع و مجادله ظاهری مابین آنها برای نشان دادن وجود اندیشه و افکار متفاوت مابین آنها و نمایان ساختن روحیه دمکراسی بوده است. باید گفت که انگلیس همواره، مخالف و موافق یک اندیشه، یک دولت، یک حکومت

را در دست داشته و با آن توانسته است هر مسیری را خواسته است ترسیم نماید و اکنون هم در ایران از گروه محافظه کار و اصلاح طلب برای نشان دادن وجود اپوزیسیون و پوزیسیون برای خنثی کردن حرکت‌های خودجوش واقعی استفاده می‌کند.

(همچنانکه اکنون مشاهده می‌شود **اپوزیسیون ستون پنجم** هم در خارج فعال است و سد راه نیروی واقعی و میهن پرست که برای براندازی اقدام می‌کنند، می‌باشد. از آن جمله می‌توان همه رادیوها و تلویزیون‌ها را نام برد که کلمه ای در مورد براندازی حکومت جبار اسلامی ذکر نمی‌کنند و از جنبش براندازی حمایت نمی‌کنند.)

انقلاب مشروطه که توسط جماعت انگلوفیل انجام شد برای این بود که رقبای خود را مانند روسیه، فرانسه، بلژیک، سوئد، آلمان که هر یک سهمی از این مرز پرگوهر می‌برند، از ایران بیرون راند. برای مثال گمرکات ایران توسط **بلژیکی‌ها** اداره می‌شد، پلیس ایران را **سوئدی‌ها** اداره می‌کردند، **روس‌ها** قزاق‌ها و قوای سلطنتی را فرماندهی می‌کردند و **فرانسه** به اشاعه و تعلیم فرهنگ خود یعنی استعمار فرهنگی مشغول بود که در این میان کلان، کلان میراث فرهنگی ایران را به یغما برد و به فرانسه منتقل کرد و آنها را در جهان نیز بفروش رسانید.

انقلاب به اصطلاح مشروطه در سال‌های ۱۲۹۰ - ۱۲۸۴ شمسی (۱۹۱۱-۱۹۰۵م) صورت گرفت و باعث شد که انگلیس صد در صد بر سرنوشت میهن ما چیره شود و با همیاری رجال خائن توانست درهای توسعه و ترقی و مدرنیته و همچنین دموکراسی و مردم‌سالاری را بر روی میهن ما مسدود سازد. انگلیس توانست با همکاری **شبکه فراماسونری** خود، انقلاب فرانسه، عثمانی، روسیه و ایران را رهبری کند. هر کدام مبحثی است که به آن اشاره خواهد شد.

(تشکیل فراماسونری فرانسه در ۲۶ ژوئن ۱۷۷۳ به نام لژ خاور بزرگ فرانسه و اولین انقلاب فرانسه در زمان **لوئی شانزدهم** با به تصرف درآوردن زندان باستیل در سال ۱۷۸۹ صورت گرفت و در سال ۱۸۳۰ و ۱۸۴۸ انقلابات بعدی فرانسه با هدایت شبکه فراماسونری بوقوع پیوست.



ژان ژک روسو، نویسنده انقلابی **فراماسون** فرانسه (۱۷۷۸-۱۷۱۲) یکی از عوامل اصلی محرک انقلاب فرانسه بشمار می‌رود.)

در ژوئیه سال ۱۹۰۶ مردم که از اعمال وزیر اعظم، **عین‌الدوله** خسته شده بودند و می‌دیدند، جان و مال آنها همه روزه در معرض تباهی است یک عده پانزده هزار نفری بعنوان عدالتخواهی به سفارت انگلیس رفتند. در آن زمان انگلیس بصورت پادشاهی مشروطه اداره می‌شد، و انگلیسیها توسط چند تن از ایرانیان که در دوره **ناصرالدین شاه** رانده شده بودند، به این مردم تفهیم کردند که باید مشروطه خواهی کنند و رژیم مشروطیت چیست و چه می‌گوید. از آن پس کلمه «**عدالت**» رهاشد و لغت **مشروطیت** جای آن را گرفت.

در بهار سال ۱۳۲۱ ه. ق (۱۲۸۲ ه. ش) با دسیسه **عوامل فراماسونری انگلیس**، بازاریان تبریز در اعتراض به مسئولان بلژیکی گمرک ایران بازار را بستند و خواهان اخراج «**مسیو پریم**» مسئول گمرک آذربایجان شدند.



در اسفند ۱۲۸۳ ه. ش عکس «**مسیو نوز**» رئیس گمرک ایران که با عبا و عمامه توسط انگلیسیها برداشته شده بود منتشرشد، اهل عمامه آن را بعنوان توهین به اسلام تلقی نمودند و مردم را بر علیه **مسیو نوز** شوراندند. اهل عمامه های مزدبگیر انگلیس در شاه عبدالعظیم متحصن شدند و ضمن تقاضای لغو تعرفه گمرکی خواستار استعفای «**نوز**» شدند، همراه با این جریان به دلیل احتکار عده ای از بازاریان و سرمایه داران انگلیس در شهرها اعتراضات عمومی گسترش یافت.

- ۲۰ آذر ۱۲۸۴ ه. ش در تهران چند تاجر قند برای احتکار قند و ایجاد ناراضیتی مردم توسط حکومت شلاق خوردند و همین عمل نخستین انفجار هماهنگ شده عمومی را در انقلاب مشروطه انگلیسی تبار بر می‌انگیزد.

- در ۲۲ آذر ۱۲۸۴ ه. ش دوباره اهل عمامه و بازاریان وابسته در شاه عبدالعظیم متحصن می‌شوند و خواستار هشت اصل می‌گردند، و آنها عبارتند از:

۱- عزل **مسیو نوز** «وزیر گمرک و مالیه» ۲- عزل **علاء الدوله** حاکم تهران ۳- **عزل عسکر گارچی** راهدار قم ۴- بازگرداندن **میرزا محمد رضا مجتهد** تبعیدی کرمانی به موطن خویش ۵- بازگرداندن مدرسه مروی و موافقات آن به متولی باشی سابق آن ۶- لغو دستور

کاهش مستمری کارمندان ۷- بنای عدالتخانه با رعایت احکام اسلامی در تمام شهرهای ایران ۸- اجرای قانون اسلام بدون تبعیض درباره تمام مردم.

در این شرایط در اثر فشار هدایت شده، شاه مجبور می شود با خواست هشت گانه بالا موافقت کند ولی شورش در تهران و شهرهای دیگر ادامه پیدا می کند، در شیراز در اثر درگیری مردم با حکومت عده ای به **شاه چراغ** و **قنصلخانه** (کنسولگری) انگلیس پناهنده می شوند. در تهران ۱۹ تیر ۱۲۸۵ ه.ش مأمورین دولتی، **شیخ محمد واعظ اصفهانی** را که مردم را به شورش وا می دارد دستگیری کنند ولی مردم او را از چنگ سربازان در می آورند و در نتیجه تیراندازی سربازان، **سید عبدالحمید** کشته می شود. بازار تعطیل و مردم و طلاب به رهبری **سید محمد طباطبائی**، **سید عبدالله بهبهانی** و **فضل الله نوری** در مسجد جامع تحصن می کنند، در فردای آن روز درگیری به صحن مسجد کشیده شده و در اثر تیراندازی سربازان، قریب یک صد نفر از مردم و سربازان کشته و زخمی می شوند، فشار سربازان باعث می شود که متحصنین مسجد را ترک کرده و به طرف قم (برای تحصن در آنجا) رهسپار شوند و در حدود دو هزار نفر از بازاریان و اهل عمامه همراه با رهبران آنها، به مدت شش روز در راه بودند.



سید عبدالله بهبهانی



سید محمد طباطبائی



شیخ فضل الله نوری

سیدین **بهبهانی** و **طباطبائی** نامه ای به سفارت انگلیس نوشته و تقاضای همراهی با ملیون می کنند. خواست آنها این بود که مشکلات جامعه توسط وزیر مختار انگلیس به اطلاع شاه برسد. البته این نامه وسیله ای بود که مردم توسط سفارت انگلیس هدایت شوند و **سناریوی انقلاب مشروطه** توسط انگلیس اجرا گردد. البته سه روز پس از حرکت دسته مردم به قم، اولین جماعت پنجاه نفری مردم در باغ سفارت انگلیس در شهر متحصن شدند و با هماهنگی **اهل عمامه** و **بازاریان** همیشه در خدمت انگلیس، همه روزه عده متحصنین در سفارت انگلیس اضافه می شد بطوریکه عده آنها از پانزده هزار نفر تجاوز کرد. بازاریان چادرها را در باغ افراشته و دیگ ها را روی آتش قرار دادند. بازاریان هزینه تحصن را تأمین کردند. اداره کردن این عده با **حاج محمد تقی بنکدار** و **حاج محمد مرتضوی** بود.

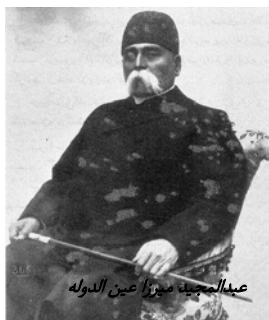


عده ای از صاحب منصبان و قزاقان به متحصنین سفارت انگلیس پیوستند و شاه از این مسئله نگران گردید و خواسته های متحصنین که همان خواسته های دولت انگلیس بود توسط وزیر مختار انگلیس به شاه ابلاغ گردید، که به پنج مورد اشاره شده بود:

- ۱- بازگشت رهبران اهل عمامه که در قم بودند، به تهران.
- ۲- عزل **سلطان عبدالمجید میرزا عین الدوله** صدر اعظم.
- ۳- افتتاح مجلس شورای ملی.

۴- قصاص قاتلین **سید عبدالحمید**.

۵- بازگرداندن تبعید شدگان به تهران.



عبدالحمید میرزا عین الدوله

مظفردین شاه با فشارهای انگلیس مجبور می شود تمام خواسته های انگلیس را که از دهان متحصنین بیرون می آمد، بپذیرد. او **عین الدوله** را عزل می کند و **میرزا نصرالله خان مشیرالدوله** که با انگلیسی ها سر و سری داشت را به صدارت منصوب می کند و در انتها با فشار انگلیسی ها و شورش هدایت شده مردم در فاصله ۱۴ تا ۱۸ مرداد ۱۲۸۵ ه.ش مظفردین شاه **فرمان مشروطه** را صادر می کند.

تشکیل مجلس موقتی و مقدماتی برای تدوین نظامنامه انتخابات از جمعیت اهل عمامه و سران جنبش و عده ای از وزیران و درباریان آغاز می شود که همگی از حقوق بگیران انگلیس بودند. پس از دو ماه شورش و کشمکش در تمام ایران و اصلاحاتی در فرامین شاهی، مجلس شورای ملی در ۱۴ مهر ۱۲۸۵ ه. ش با حضور ۵۷ نفر در **کاخ گلستان** در حضور شاه افتتاح و شروع به کار می کند. در فردای آن روز در جلسه مجلس شورای ملی **مرتضی قلی خان صنیع الدوله** داماد **مظفردین شاه** به ریاست مجلس برگزیده می شود و **میرزا حسن خان وثوق الدوله** به نیابت اول و حاج **محمد حسین امین الضرب** به نیابت دوم مجلس انتخاب می شوند.



صنیع الدوله



تعدادی از نمایندگان دوره اول مجلس (از راست به چپ): میرزا محمدخان مخبرالملک (محمد هدایت)، میرزا محمدخان صدیق حضرت (محمد مظفر)، میرزا آقاقرشی، شیخ ابراهیم تبریزی، مرتضی قلیخان نایبی، میرزا حسن خان وثوق الدوله (حسن وثوق)، حاج آقا رضا رئیس التجر (رضا مهدوی)، میرزا صادق خان مستشارالدوله (صادق صادق)، حسنعلی خان نصرالملک (حسنعلی کمال هدایت)، سید حسن تقی زاده، میرزا حسن خان بانکی



سلطان علیخان وزیر افخم

قانون اساسی به اسم «**نظامنامه سیاسی**» مشتمل بر ۵۱ اصل که به تصویب مجلس شورای ملی رسیده بود از طرف **مظفردین شاه** در تاریخ ۸ دی ماه ۱۲۸۵ ه.ش تصویب و امضاء شد و صورت قانونی یافت. ده روز پس از امضاء قانون اساسی، مظفردین شاه در ۱۹ دی ماه درگذشت و **محمد علی میرزا** بجای او نشست. شاه جدید، **میرزا علی اصغر اتابک** را که سه سال پیش از صدارت معزول و به اروپا رفته بود به کشور فراخوانده و او را به نخست وزیری برگمارد و امور دولت را موقتاً به عهده **سلطان علیخان وزیر افخم** ارشد وزاری کابینه محول نمود. او قریب ۴۰ روز عهده دار سرپرستی دولت بود.

در اسفندماه ۱۲۸۵ مردم اصفهان برای عزل **مسعود میرزا ظل السلطان** حاکم اصفهان به دستور **آقا**

نجفی و حاج آقا نورالله در تلگرافخانه دولتی اجتماع نمودند و پس از مخابره چند تلگراف، در کنسولگری انگلیس متحصن شدند و در پی آن مسعود میرزا از حکومت اصفهان معزول می شود و اداره امر حکومت اصفهان موقتاً به عهده **حسینقلی خان نظام السلطنه** واگذار می شود. در همین زمان **احمد میرزا** فرزند دوم **محمد علی شاه** به ولیعهدی تعیین و معرفی می شود.



مسمود میرزا ظل السلطان



حسینقلی خان نظام السلطنه

بخشهایی از روحانیون به رهبری **شیخ فضل الله نوری** و **سید احمد طباطبائی** تحت عنوان « شریعت خواهی » یعنی رعایت احکام اسلامی در قانون اساسی در مخالفت با مشروطیت در ۳ تیرماه ۱۲۸۶ ه. ش در شاه عبدالعظیم متحصن می شوند و خواستار انحلال مجلس می گردند، البته آنها از طرف **محمد علی شاه** و روسیه حمایت می شدند. در ۸ شهریورماه در مجلس شورای ملی، **اتابک اعظم** نطق مستدلی در مورد امور کشور و حل مشکلات و تأکید شاه دربارهٔ تدوین

متمم قانون اساسی ایراد کرد که مورد تحسین عده ای از نمایندگان قرار گرفت. در همین جلسه **اتابک، میرزا حسن خان مستوفی الممالک** را به سمت وزیر جنگ به جای **کامران میرزا** نایب السلطنه و همچنین **میرزا محمود خان علاء الملک** را به سمت وزارت عدلیه معرفی کرد.



عباس آقا حاجی محمد زاده



اتابک اعظم

در این زمان **میرزا علی اصغر خان اتابک اعظم** با کمک روحانیون مخالف مشروطیت دست به توطئه چینی می زند. پس از ختم جلسه علنی مجلس شورای ملی، دو ساعت از شب گذشته، **اتابک اعظم** و **سید عبدالله بهبهانی** در حالیکه مشغول گفتگو بودند از بهارستان خارج می شوند، مقابل در مجلس، **اتابک** مورد سوء قصد قرار گرفت و سه تیر به او شلیک شد. بدین وسیله **اتابک اعظم** در هشتم شهریور ۱۲۸۶ ه. ش بدست یکی از انقلابیون (**عباس آقا حاجی محمد زاده تبریزی**) کشته می شود. قاتل در حین دستگیری با اسلحه خودکشی می کند.

دو روز بعد مجلس شورای ملی، تلگراف تسلیت آمیزی دربارهٔ قتل **اتابک** به شاه مخابره نمود و تقاضا کرد برای ادارهٔ امور کشور شخص لایقی را انتخاب بکند. از طرف **محمد علی شاه** فرمان رئیس الوزرای به نام **میرزا احمد خان مشیر السلطنه** صادر می شود. در اول مهرماه همین سال پیرو طرح قرارداد تقسیم ایران به دو منطقه نفوذ انگلیس و روس، **سر اسپرینگ رایس** وزیر مختار انگلیس در تهران متن فرانسه و ترجمهٔ فارسی قرارداد ۱۹۰۷ را که مربوط به ایران می شد برای وزارت امور خارجه ایران ارسال می دارد. بعد از تسلیم متن قرارداد به مجلس، نمایندگان پس از پرخاش به وزیر خارجه در مجلس، قرارداد را رد کردند.



ناصرالملک

در اثر بی کفایتی مشیرالسلطنه، مجلس شورای ملی به او رأی عدم اطمینان می دهد و در ۲۵ مهرماه **میرزا ابوالقاسم خان ناصرالملک** به صلاحدید و تصویب عده ای از وکلای مجلس از طرف محمد علی شاه به رئیس الوزرائی منصوب شد.

مجلس جدید التأسیس شورا در آذر ۱۲۸۶ ه. ش بودجهٔ دربار را سیصد هزار تومان کسر و به پانصد هزار تومان کاهش داد و شهریهٔ زنان **ناصرالدین شاه** را قطع کرد. این تصمیم مجلس که مورد تأیید ناصرالملک رئیس الوزراء وقت قرار گرفته بود، محمد علی شاه را به خشم آورد. وی تحت فشار روسیه و پاره ای از روحانیون بود که مجلس را منحل کند. او نمایندگان مجلس را احضار و به آنان در مورد کاهش بودجه دربار اخطار کرد و گفت که از حدود تجاوز کرده اند. ناصرالملک که خشم شاه را دید از سمت خود کناره‌گیری کرد و استعفای خود را برای محمد علی شاه فرستاد ولی مورد قبول شاه واقع نشد.



احتشام السلطنه

در این زمان عده ای از طرفداران محمد علی شاه به سرکردگی **مقتدر نظام** و **صنیع حضرت** در تهران دست به تظاهرات زدند و به مجلس شورای ملی حمله بردند. بین آنها و محافظین مجلس کار به تیراندازی رسید و سپس دامنهٔ زد و خورد به توپخانه کشیده شد و عدهٔ زیادی از طرفین مقتول و مجروح شدند. **احتشام السلطنه** رئیس مجلس برای اقامه شکایت از این وضعیت نزد شاه رفت که شاه دستور داد او و برادرش را که همراه وی بود شلاق زدند و در همان جا (کاخ گلستان) بازداشت کردند. محمد علی شاه سپس

ناصرالملک مستعفی و وزیران کابینه اش را احضار کرد، شاه پس از فحاشی و نواختن چوب به سر و صورت آنها، دستور توقیف آنها را صادر کرد و واقعه تویخانه و بلوای مجلس را نتیجه تحریکات آنها دانست. در همین هنگام شاه دستور داد برای هلاکت **ناصرالملک**، دژخیم « قهوه قجری » تهیه کند. ناصرالملک قبل از صرف قهوه مسموم به نماز ایستاد. در این زمان **چرچیل** دبیر سفارت انگلیس در دربار حضور یافت و از طرف وزیر مختار انگلیس، پیام محرمانه ای به شاه داد و متذکر شد که ناصرالملک از دولت انگلیس نشان های برجسته دارد و سرانجام با شفاعت و حمایت سفارت انگلیس موجبات آزادی ناصرالملک فراهم شد و شاه آزادی او را موکول به ترک ایران نمود و فردای آن روز ناصرالملک تهران را به قصد لندن ترک کرد. **محمد علی شاه حسینقلی خان نظام السلطنه** را برای رئیس الوزرای انتخاب کرد.

درگیری و کشمکش همچنان در تهران، تبریز، اصفهان و بعضی از شهرها با رهبری پنهانی رجال درباری و حمایت **علنی شیخ فضل الله نوری** با مشروطه خواهان انگلوفیل ادامه داشت. مخالفین مشروطه پس از یک حمله مسلحانه ناموفق به مجلس، در میدان تویخانه چادر می زدند ولی سرانجام محمد علی شاه تسلیم شد و قسم نامه را امضاء کرده و آشوبگران پراکنده می شوند. قسم نامه شاه به شرح زیر است:

« چون به واسطه انقلابی که این چند روز در تهران و سایر ولایات ایران واقع شده، برای ملت سوء ظن حاصل شده بود که خدای نخواستہ ما در مقام نقض و مخالفت از قانون اساسی هستیم لهذا برای رفع این سوء ظن و اطمینان خاطر عموم ملت به این کلام الله مجید قسم یاد می کنیم که اساس مشروطیت و قوانین اساسی را کلیتاً در کمال مواظبت حمایت و رعایت کرده و اجرای آن را به هیچ وجه غفلت نکنیم. هرکسی برخلاف مشروطیت رفتار کرده مجازات سخت بدیم. هرگاه نقض عهد و مخالفت از ما بروز کند در نزد صاحب قرآن مجید مطابق عهد و شرط و قسمی که از وکلای ملت گرفته ایم مسئول خواهیم بود. لیلہ ہفدہ ذی القعدہ ۱۳۲۵ ».



در این کشمکش روسیه برای منافع خود از محمد علی شاه حمایت می کند و انگلیس از مشروطه خواهان تا به امضاء رسیدن موافقتنامه استعماری بین روسیه تزاری و انگلیس برای تقسیم ایران به مناطق نفوذ بین آنها در اوت ۱۹۰۷ میلادی.

در روز ۲۶ آذرماه ۱۲۸۶ شمسی کمیته انقلاب مشروطه که با مسئولیت **تقی زاده** شکل گرفته بود و در مسیر اجرای پروژه مشروطه پادشاهی به شکنجه و اعدام مخالفین مشروطه می پرداخت، تصمیم می گیرد محمد علی شاه را به قتل برساند.



روزنامه صور اسرافیل با همکاری **میرزا قاسم خان تبریزی** و **میرزا جهانگیرخان شیرازی** در تهران انتشار یافت و شماره اول آن در روز ۱۴ اسفندماه ۱۲۸۶ منتشر شد. **میرزا علیخان قزوینی** معروف به « **دخو** » (دهخدای آینده) از نویسندگان این روزنامه بود. چند روز بعد روزنامه صور اسرافیل همراه با روزنامه های دیگر حملات خود را به **محمد علی شاه** مجدداً آغاز کردند و نسبت های تند و اهانت آمیز به وی و خانواده او دادند. روزنامه های **مساوات** و **روح القدس** در این حملات گوی سبقت را از همگان ربودند. در این زمان **سید حسن تقی زاده** در مجلس طی نطقی **آصف الدوله** وزیر داخله را مورد انتقاد و نکوهش قرار داد و از اعمال زشت وی به هنگام والیگری

در خراسان سخن گفت و او را شایسته مقام وزارت در دوران مشروطه ندانست. به پیشنهاد تقی زاده مجلس به اخراج او از کابینه رأی داد. در ۲۶ آذر ۱۲۸۶ ه. ش کمیته انقلاب که توسط تقی زاده فراماسون هماهنگی می شد، تصمیم گرفت محمد علی شاه را به قتل برساند و در روز ۸ اسفندماه **محمد علی شاه** که برای گردش به دوشان تپه می رفت، هنگام عبور از خیابان الماسیه مورد سوء قصد قرار گرفت. دو نارنجک در جلوی کالسکه او انداختند که هر دو منفجر شد. در این سوء قصد به شاه آسیبی نرسید ولی چند نفری مقتول و مجروح شدند. فردای آن روز به شکرانه رفع خطر از شاه، در تهران و شهرستان ها مراسم دعا و شکرگزاری به عمل آمد.



مشیرالسلطنه

به دنبال سوء قصد به محمد علی شاه، **معتضد دیوان** رئیس نظمیہ، **حیدرخان چراغ برقی**، **ضیاء السلطان**، **میرزا اسماعیل خان** و **میرزا موسی زرگر** را به جرم سوء قصد به جان شاه دستگیر کرد و برای بازپرسی به کاخ گلستان برد. در ۲۴ اردیبهشت ماه ۱۲۸۷ **حسینقلی خان نظام السلطنه** رئیس الوزرا از کار کناره گیری کرد و محمد علی شاه، **میرزا احمد خان مشیرالسلطنه** را به جای او نهاد. محمد علی شاه پس از مذاکرات با نمایندگان دولت روسیه و طرح یک سلسله عملیات علیه انگلیس در چهاردهم خرداد ۱۲۸۷ ه. ش به قصد کودتا در **باغشاه** ساکن می شود. شاه در این روز تعدادی از نمایندگان مجلس را توقیف می نماید.



محمد علیشاه در باغشاه

دو روز بعد **محمد علی شاه** پستخانه و تلگرافخانه را تصرف کرد و امور آنجا را به **حسینقلی خان مخبرالدوله** واگذار کرد و سیم های تلگراف به خارج را قطع نمود، حتی سیم تلگراف کمپانی های انگلیسی نیز قطع شد که در نتیجه آن، انگلیسی ها ساعتی ۴۰۰۰۰ تومان غرامت مطالبه نمودند. ماجرا از این قرار بود که در زمان تشکیل مجلس دوم دو فراکسیون به اصطلاح رقیب «**اعتدالیون**» و «**دمکرات**» که متعلق به «**احزاب اجتماعیه**» و «**دمکراتیون عامیون**» بودند و در سال ۱۹۰۸ تشکیل شده بودند، به نام های جدید بوجود آمدند.

حزب اعتدال که رهبری فکری آن در دست **سید محمد طباطبائی** بود، جناح راست و محافظه کار مشروطه خواهان را جمع کرده بود و از حمایت فئودال ها، اهل عمامه، اعیان و اشراف و شاهزادگان و بازاریان برخوردار بودند و در مجلس دوم دارای اکثریت بود. برخی از دیگر اشخاص این فراکسیون عبارت بودند از:

سید احمد بهبهانی، علی محمد دولت آبادی، صدرالعلماء، محمد علی خان نصرت السلطان، ناصرالاسلام گیلانی، مرتضی قلی خان نائینی که لیبر فراکسیون بود، ذکاء الملک، معتمد خاقان، محمد تقی بنکدار، محمد تقی رزاز و علی اکبر دهخدا (که همراهی اش با این فراکسیون تعجب دیگران را همراه داشت). از مشروطه طلبان مشهور **سپهسالار اعظم (تنکابنی)**، **ستارخان** و **باقرخان** هم از این فراکسیون پشتیبانی می کردند. ارگان حزب اعتدالیون روزنامه «**انقلاب**» بود.

حزب دمکرات که جناح رادیکال مشروطه خواهان را دور خود جمع کرده بود خواستار «**انفکاک کامل قوه سیاسی از قوه روحانی**» و تقسیم املاک بین رعایا و مخالف تشکیل مجلس اعیان بود. رهبر واقعی آن **سید حسن تقی زاده** بود که با عده ای از همفکران خود چون **محمد رضا مساوات**، **ابراهیم حکیمی (حکیم الملک)**، **شیخ محمد خیابانی**، **حیدر عمو اوغلی**، **رسول زاده**، **ابوالضیاء**، **جلیل اردبیلی**، **میرزا محمد نجات**، **احمد قزوینی**، **محمد علی خان تربیت**، **نوبری** و تعدادی دیگر، کمیته انقلاب را تشکیل دادند.

حزب دمکرات به قولی روشنفکران و تحصیلکرده ها را تشکیل می داد که در مجلس دوم در اقلیت قرار داشتند و دارای بیست نماینده بودند که ارگان این حزب روزنامه «**ایران نو**» نام داشت. (ایجاد دو فراکسیون (گروه) رقیب که هر دو از یک منشأ سرچشمه می گیرند سیاست کلی و در دستور کار انگلیسی ها بوده است، این عمل را نه تنها در مجلس دوم بعد از مشروطه به کار گرفتند بلکه در زمان **پهلوی ها** و مخصوصاً در زمان **حکومت اسلامی** به گونه بسیار زیرکانه ای اجراء کردند و از دوجناحی وانمود کردن حکومت اسلامی بهره بیشمار برده اند).

در شرایطی که محمد علی شاه هم از درگیری های سه جانبه سیاسیون که عبارت بودند از طرفداران روس، انگلیس و آزادیخواهان واقعی به تنگ آمده بود، او با همراهی **شیخ فضل الله نوری** و **سید احمد طباطبائی** عده ای را علیه مجلس در اطراف آن جمع می کند و به درگیری با مجلسیون و مدافعان آن می پردازد و با بمبی که یاران **سید حسن تقی زاده** و **حیدر عمو اوغلی** به کالسکه حامل **محمد علی شاه** انداختند وی به مقابله جدی با مجلس پرداخت و به باغشاه رفت و بریکارد قزاق را برای مقابله با مجلس آماده کرد. در این زمان نظم شهر تهران به **لیاخوف (پالکونیک)** و نیروی قزاق سپرده شد.

شاه چند تن از واعظین و روزنامه نگاران را که از اعضای مجلس نیز بودند تبعید نمود که عبارتند از: **ملک المتکلمین**، **سید جمال واعظ**، **سید محمد رضا شیرازی** مدیر روزنامه مساوات، **سلطان العلمای خراسانی** مدیر روح القدس، **میرزا جهانگیرخان** مدیر صوراسرافیل و **تقی زاده**.

سازمان پارس و شورای براندازی

ادامه دارد...